

به یادشادروان یحیی دکاء

محمد زمان

مقاله کوتاه اما ارزشمند آقای ادیب برومند، دربارهٔ محمدزمان و همنامی وی با یک نقاش دیگر که در دفتر ششم نامهٔ بهارستان به چاپ رسید، مرا بر آن داشت که سندی منحصر به فرد را در این باره از نسخه‌ای از رسائل ملاطفرای مشهدی، به شمارهٔ ۲۰۸۶ کتابخانه گنج‌بخش، متعلق به سدهٔ ۱۲ هـ. که تصویر آن در کتابخانه دائرةالمعارف بزرگ اسلامی به شمارهٔ ۲۰۰/۲ نگهداری می‌شود (برگ‌های ۲۶۸، ۲۶۹ و ۲۷۰) معرفی نمایم.

این سند رقع‌ه‌ای از ملاطفرا خطاب به شخصی به نام «محمدزمان فرنگی خوان» است که سال‌ها شخصیت وی با «محمدزمان نقاش» صفوی یکی دانسته شده است، لیکن مقدمه و به‌طور خلاصه باید به‌عرض برسانم که محمد زمان نقاشی که استاد برومند به‌عنوان محمدزمان اول معرفی نموده و سال‌های فعالیت وی را بین ۱۰۷۰ تا ۱۱۲۰ هـ. عنوان کرده است هنرمندی نقاش است که ماوی را به‌عنوان محمد زمان بن حاجی یوسف قمی، نقاش دورهٔ شاه عباس دوم، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی می‌شناسیم که در فرنگی‌سازی مهارت ویژه‌ای داشته است. آگاهی‌های ما از زندگی این نقاش ایرانی آمیخته با حدس و گمان‌های بسیاری است که محققان و پژوهشگران در این باره اظهار کرده‌اند. به‌طوری که پیرامون این شخصیت افسانه‌سرایی‌های بسیاری شکل گرفته است. بیش از چندین دهه از داستان سفر محمدزمان به ایتالیا و ماجرای تعمد او به‌دست کشیشان که منجر به تغییر کیش و نیز نام او به «پائولو زمان» گردید می‌گذرد. ظاهراً نخستین بار اسمیت (Smith) در ۱۹۱۱ م. این واقعه را چنین ثبت کرده است که شاه عباس اول در (۱۰۱۵ هـ. / ۱۶۰۶ م.) تعدادی از دانشجویان ایرانی را به‌رم فرستاد که یکی از آنها به دین مسیحیت گروید. سپس شاه عباس دوم نیز گروه دوم دانشجویان را اعزام نمود، یکی از آنان به نام محمدزمان که وی نیز به کیش دیگر روی آورده بود تحت نام پائولو زمان به ایران بازگشت.^۱ اسمیت سپس در ادامه شرح احوالی که به‌دست می‌دهد از ماجرای پناهنده شدن محمدزمان به هند و دریافت سمت از شاه جهان و به‌دست آوردن حقوق منصب‌داری در کشمیر سخن به میان می‌آورد. وی ادامه می‌دهد که در سلطنت اورنگ‌زیب برای رسیدگی به وضعیت و مقرری پناهندگان، تمامی منصب‌داران ایرانی به دربار احضار می‌شوند و در یک فرصت مناسب نیکلا مانوتچی (Manucci Niccolo) جهانگرد ایتالیایی با محمدزمان باب آشنایی می‌گشاید.^۲ گزارش مارتین (F. R. Martin) در ۱۹۱۲ م. و پرسی براون (Percy Brown) در ۱۹۲۴ م. نیز بر همین منوال است.^۳

می‌توان چنین پنداشت که هر سه پژوهشگر بر مبنای یک منبع سخن گفته‌اند و متعاقب آنها نقل این بیوگرافی تخیلی تاکنون ادامه یافته است.^۴ لازم به ذکر است که همزمان با یادداشت‌های مانوتچی، مقاله پ. کلارک کاسپار (P. Clarke Caspar) در مجلهٔ هنر هند (ج ۷، اکتبر ۱۸۹۶ م.) نیز در ساخت و پرداخت فرضیهٔ پائولو زمان مورد استفاده هنرشناسان فوق قرار گرفته است.

نخستین بار هنرشناس روسی، ایوانف (Ivanov) ضمن رد این داستان، به‌درستی بیان داشت که در

1 Vincent. A. Smith, *A History of Fine Art in India & Ceylon*, (Reprinted in India, 1969), p. 191.

2 *Ibid.*

3 F. R. Martin, *Miniature Painting and Painters of persian*, India, (Turkey, 1912), vol. I, p. 124; Percy Brown, *Indian Painting under the Mughals*, 1924, p. 177.

4 A. A. Ivanov, «The Life of Muhammed Zaman, a Reconsideration», *IRAN*, vol. XVII, (London, 1979), p. 67.

یادداشت‌های مانوتچی هیچ‌گونه اشاره‌ای به نقاش بودن این محمدزمان یا پائولو زمان نمی‌یابیم.^۵ سند مهم دیگری که در این باره مورد استفاده پژوهشگران قرار گرفته است ترجمه بخشی از کتاب ماتئوریتیچی (Matteo Ricci) با نام *De christiana Expeditione apud sinas* از لاتین به فارسی، با نام تاریخ چین است که به تعبیر پاره‌ای از محققان به قلم محمدزمان نقاش صورت گرفته است. مترجم در مقدمه این کتاب خود را «بنده بی‌زبان محمد زمان مشهور به فرنگی‌خوان» معرفی کرده است.^۶ نام این کتاب سه بار در فهرست‌واره کتاب‌های فارسی احمد منزوی به‌طور جداگانه آمده است.^۷ ایوانف می‌نویسد که به احتمال قوی شخصیت محمدزمان فرنگی‌خوان منطبق بر شخصیت محمدزمانی است که مانوتچی ارائه می‌دهد.^۸

تعمید یک ایرانی در اصفهان در حدود سال (۱۰۵۱ هـ. / ۱۶۴۱ م.) به دست اسقف اعظم کرملی که به‌وی لقب «پائولو آرن» داده‌اند و ذکر نام فردی به نام «زمان» که در فرنگی‌سازی پیشرفت‌های بسیاری کرده است در یادداشت‌های کشیشان کرملی در اصفهان^۹ نیز به این داستان دامن می‌زند. ایوانف همچنین از مقاله دیگری به نام "The Jesuits and the Great Mogul" اثر ا. مک‌لگان (E. Maclagan) در مجله تاریخ هند (ج ۱، ۱۹۲۲ م.) نام می‌برد که در آن نیز از کسی به نام «پائولو زمان» نام برده شده که در دربار مغول‌ها زندگی می‌کرد و در هنگام نوجوانی به دست روحانیون کرملی تعمید داده شده بود.^{۱۰}

ایوانف با طرح این مسأله که آیا می‌توان «زمان» و «پائولو آرن» را در گزارش‌های کشیشان کرملی و «پائولو زمان» مجله تاریخ هند و «محمد زمان فرنگی‌خوان» مترجم تاریخ چین و «پائولو زمان» مانوتچی یک تن دانست یا نه قصد تفکیک این افراد را از شخصیت محمدزمان بن حاجی یوسف قمی، نقاش صفوی، دارد. تحقیقات ایوانف در این زمینه بسیار با ارزش است، زیرا پیش از او همه هنرشناسان فقط داستان مانوتچی را تکرار کرده‌اند و اسمیت (۱۹۱۱ م.)، مارتین (۱۹۱۲ م.)، براون (۱۹۲۴ م.)، زکی محمدحسن (۱۹۳۶ م.)^{۱۱}، ویلکینسن (۱۹۴۱ م.)^{۱۲} و بازیل گری (۱۹۶۱ م.)^{۱۳} از همین فرضیات پیروی کرده‌اند.

همچنین همزمان با ارائه نظریات ایوانف در ۱۹۶۲ م. در مقدمه آلبوم منتشر شده انستیتوی ملل آسیایی سن پترزبورگ^{۱۴}، زنده‌یاد یحیی ذکاء در مجله سخن مقاله‌ای را تحت عنوان «محمد زمان، اولین نقاش ایرانی که به اروپا رفت» منتشر نمود. ذکاء نیز مانند سایر هنرشناسان، محمد زمان بن حاجی یوسف قمی،

⁵ Ibid, p. 66.

⁶ Ibid, p. 68.

و نیز تک. یحیی ذکاء، «محمدزمان نخستین نگارگر ایرانی که به اروپا فرستاده شد»، نگاهی به نگارگری ایران در سده‌های دوازدهم و سیزدهم، ج اول، (تهران، ۱۳۵۴)، ص ۴۴-۴۵. یادداشت‌های شماره ۱ و ۲.
^۷ احمد منزوی، فهرست‌واره کتاب‌های فارسی، (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴)، ج ۱، بخش جغرافیا، ص ۱۷۸. زیرتاریخ چین، تألیف اکسو که در ۹۷۰ هـ. / ۱۵۶۳ م. به چین سفر کرده است. ترجمه محمدزمان خان - بخش تاریخ خاور دور، و نیز ج ۲، ص ۱۳۴۲، تحت عنوان مرآت الزمان، فرنگی‌خوان. در مشار (۴: ۴۷۶۳) آمده است: مرآت الزمان در تاریخ چین و چین (ژاپون) از الکسوس ترجمه فرنگی‌خوان، نگاشته ۱۳۰۷ ق ... و نیز همانجا، ص ۱۱۷۰، بخش هفتم تاریخ شبه‌قاره، تحت عنوان «تاریخ چین»، محمدزمان خان.

⁸ A. A. Ivanov, p. 68.

^۹ گزارش این کشیشان در کتاب زیر منتشر شده است:

A. Chick, *A Chronicle of the Carmelites in Persia and Papal Mission in the XVIIth and XVIIIth centuries*, (London, ۱۹۳۹), vol 1 : 315, 345.

¹⁰ A. A. Ivanov, p. 67.

^{۱۱} زکی محمد حسن، تاریخ نقاشی در ایران، ترجمه ابوالقاسم سحاب، (تهران، ۱۳۶۴)، ص ۱۶۱.
^{۱۲} جی. ویلکینسن، «درباره چند نسخه خطی ممتاز ایرانی در کلکسیون چستربیتی»، روزگار نو، ج ۱، ش ۲، ص ۳۴.
^{۱۳} بازل گری، نگاهی به نگارگری در ایران، ترجمه فیروز شیروانلو، (ج ۲، تهران، ۲۵۳۵)، ص ۱۷۶. البته بازل گری در متن کتاب از محمدزمان یاد نکرده و فقط در حاشیه، اثر معروف محمد زمان را در خمسه نظامی شاه طهماسب با ذکر نام «محمد زمان» آورده است.

¹⁴ A. A. Ivanov, *Albom Indiskikh i Persidskikh Miniatur*, Moscow, 1962.

نقاش صفوی، را با محمد زمان هایی که مینیوچی و کلارک مطرح می‌کنند یکی دانسته است. نویسن نفیسی نیز در ۱۳۴۳ همین داستان را تکرار کرد.^{۱۶} و ذکاء یک بار دیگر در ۱۳۵۴ در مقاله تازه‌ای همین مضمون را بال و پر داد.^{۱۷}

لیکن ایوانف در مقاله دیگری در ۱۹۷۹م. در مجله ایران بر نظریات قبلی خود پافشاری کرد.^{۱۸} در مقاله اخیر ایوانف سندی را از فهرست بلوشه (Blochet) در کتابخانه ملی پاریس معرفی می‌کند که در آن محمدزمان فرنگی خوان خودش را به عنوان مترجم «حدیقه عالم» به طور کامل معرفی نموده است.^{۱۹} نکته جالب توجه اینکه وی این مقدمه را در طول راه مهاجرت از دارالسلطنه اصفهان به هند نوشته است. نگارنده در ادامه تحقیقات خود درباره محمدزمان و نیز طی نشست‌ها و ملاقات‌هایی که بازنده یاد یحیی ذکاء داشتیم از ایشان در مورد سندی تازه‌یاب درباره محمدزمان فرنگی خوان شنیدم که ایشان نشانی دقیق آن را فراموش کرده بودند. سرانجام این سند با همکاری صمیمانه استاد آقای محمدحسن سمسار و آقای احمد منزوی، در نسخه‌ای از رسائل ملاطفرامربوط به کتابخانه گنج‌بخش که ذکر آن پیش‌تر رفت یافت شد و اینک این اطلاع برای نخستین بار در نامه بهارستان برای استفاده هنرپژوهان، به ویژه کسانی که درباره محمدزمان نقاش کار می‌کنند، به چاپ می‌رسد.

سند حاضر که رقعته‌ای از ملاطفرای مشهدی به محمدزمان فرنگی خوان در طلب رساله جامع‌الالحن ملاعبدالقادر مراغه‌ای است از چند جهت حائز اهمیت می‌باشد. ابتدا آنکه این سند نظریات ایوانف را درباره عدم تطبیق شخصیت محمدزمان فرنگی خوان (مترجم ساکن در هند) با محمدزمان بن حاجی یوسف قمی، نقاش فرنگی ساز صفوی، تأیید می‌کند و از سوی دیگر استفاده از اصطلاحات موسیقی عهد صفوی به سبک و سیاق نثر ملاطفرای جمله ویژگی‌های دیگر این سند منحصر به فرد است که برای پژوهشگران موسیقی ایرانی نیز سودمند خواهد بود.

کفایت کوشا



۱۱ کل زینق، اثر محمد زمان، ۱۰۷۴ هـ. (برگرفته از: «احوال و آثار محمد زمان مکتب ایران و هند»)

^{۱۶} نویسن نفیسی، «تاریخ نقاشی‌های آسیا و جلوه‌های آن... هنر و مردم، ش ۲۱، ص ۳۵-۳۶.
^{۱۷} یحیی ذکاء، نگاهی به نگارگری ایران در سده‌های دوازدهم و سیزدهم، ج اول، (تهران، ۱۳۵۴)، ص ۳۷-۵۹.

¹⁸ A. A. Ivanov, "The life of Muhammed Zaman", p. 68, 69.

¹⁹ E. Blochet, *Catalogue des manuscrits persans de la Bibliothèque Nationale*, (Paris, 1905-34), V. 2, no. 866.